



بررسی دوران پرتلاطم ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷

# مطبوعات ایران، از کودتا تا انقلاب

محسن علینی

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بارقه‌های آزادیخواهی و عدالت‌طلبی را از صحنه سیاسی ایران محو کرد و دموکراسی پویایی را که در حال نضج و گسترش بود، یکسره از میان برد. پس از این واقعه شوم تجدیدگرایی افراطی و شبه‌مدرنیسم وارداتی در جامعه رشد فزاینده یافت و تفکری واپسگرا بر شرایط اجتماعی و سیاسی کشور سایه افکند. این وضع فحراً بر فضای مطبوعاتی جامعه نیز تأثیری عمیق برجای گذاشت. سانسور و ممیزی که اندک مدتی از جامعه رخت بر بسته بود، دوباره و شدیدتر از گذشته احیا شد، روزنامه‌نگاران مردمی یا به گوشه انزوا خزیدند و مهر سکوت بر لب زدند و یا شکنجه، زندان، تبعید و مرگ را به جان خریدند به طوری که دیگر: «در مزارآباد شهر بی‌پیش

وای جفندی هم نمی‌آمد به گوش!»، مطبوعات ملی و مستقل زیر فشار ارضاب و تهدید صحنه را برای حضور مطبوعات وابسته به دولت ترک کردند و نسلی از مطبوعات بی‌هویت و مبتذل پا به عرصه نهاد که هدفش ارائه الگوهای فرهنگی غرب و ترویج غربزدگی و ملی‌گرایی افراطی بود.

البته در همین سالها، نشریات وابسته به جریانهای سیاسی مخفی نیز همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دادند و علیرغم فشارها و تنگناهای بیشمار انکار آزادیخواهانه و عدالت‌طلبانه خود را به گوش عده‌ای از مردم می‌رساندند، لیکن بُرد و دامنه این‌گونه نشریات محدود بود و نمی‌توانستند به‌صورتی فراگیر عمل کنند؛ در مراحل مطبوعات ایران در خلال این دوره فرازونشیبهای گوناگونی را پشت سر گذاشتند و فشارها و محدودیتهای بسیار را تحمل کردند. بررسی سیر تحول مطبوعات در این فراز و فرود تاریخی نکته‌ای در خور توجه است که در این مقاله به‌طور اجمال به آن پرداخته می‌شود.

## شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷

آنچه پس از کودتا در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی روی داد روشن‌تر از آن است که در اینجا نیاز به تکرار آنها باشد: دستگیری مخالفان و مبارزان؛ محاکمه و شکنجه و اعدام ایشان؛ تعطیل فعالیتهای و انحلال احزاب و گروهها، تشکیل احزاب فرمایشی، مترقی‌نمایی شاه، گسترش دامنه تشکیلات و فعالیتهای "ساواک"... در جهت تأمین منافع امپریالیسم و امنیت ارتجاع؛ اشاعه فرهنگ غربی و رونق بازارهای خارجی... چیزی نیست که برکسی پوشیده باشد و نیاز به یادآوری داشته باشد. حتی "اصلاحات ارضی" کذایی هم در همین جهت انجام گرفت. و مردم که در زیر سایه سرنیزه، و از ترس ارتشی که "پنجمین قدرت نظامی جهان" به‌شمار می‌رفت، ظاهراً دم بر نمی‌آوردند، آرام آرام و در پرده واکنش نشان می‌دادند و خود را برای رهایی از چنگال ظلم و بی‌عدالتی آماده می‌کردند. در این میان، مطبوعات - که مدیرانشان آلت دست حکومت بودند و کارکنانشان با مردم همدلی داشتند - به‌گونه‌ای کج دار و مریز رفتار می‌کردند.

## مطبوعات ایران؛ از کودتا تا انقلاب

ایران، در طی سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ فرازونشیبهای اجتماعی و سیاسی گوناگونی را پشت سر گذاشت و حوادث تلخ و ناگوار بسیاری را چشید. مطبوعات نیز در این شرایط بحرانی و ملتهب همگام با تحولات اجتماعی سعی در ایفای نقش خویش داشتند و در زیر تیغ سانسور و ممیزی به فعالیت ادامه می‌دادند.

نسل مطبوعات انقلابی و روشنگر پس از کودتای ۲۸ مرداد روبه اضمحلال گذاشت و متولیان آنها شدیداً مورد قهر و غضب نظام حاکم قرار گرفتند.

یکی از این نشریات راه مصدق<sup>۲</sup> ارگان نهضت مقاومت ملی ایران بود که در جریان فعالیتهای زیرزمینی مخفیانه توزیع می‌شد. این نشریه که زیر نظر هیأت تحریریه فعالیت می‌کرد در خلال سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۵ با فاصله زمانی ولی به‌طور مرتب منتشر شد. مکتب مصدق و نهضت مصدق از دیگر نشریات نهضت مقاومت ملی بودند که در این سالها انتشار یافتند. آرمان ملت نیز هفته‌نامه‌ای سیاسی و ارگان "حزب ملت ایران" بر بنیاد پان‌ایرانیسم بود که با صاحب امتیازی امیرسلیمان عظیمی در سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۸ منتشر شد.

علم و زندگی مجله‌ای سیاسی و اجتماعی بود که از ۱۳۳۱ فعالیت خود را آغاز کرد. صاحب امتیاز این مجله خلیل ملکی و سردبیرهای آن جلال آل‌احمد و نادر نادرپور بودند. این نشریه به دلیل مقالاتی که در تفسیر و توجیه مسائل اجتماعی از دیدگاه نیروی سوم (حزب زحمتکش) با تمایلات آشکار ضدکمونیستی می‌نوشت حائز اهمیت بود. بررسی جامعه و پیش‌بینی حرکت آن در جهت رشد سرمایه‌داری وابسته و موضع‌گیری به‌سود این دسته از سرمایه‌داران در مقابل فئودالیزم، دفاع از موضع امپریالیسم آمریکا بر ضد امپریالیسم انگلیسی برای اولین بار به‌وسیله ملکی و همکارانش در علم و زندگی مطرح شد.<sup>۳</sup> این مقالات هسته اساسی موضع فکری مارکسیستهای آمریکایی در سالهای بعد به‌شمار



می‌روند.

نامه مردم نیز روزنامه سیاسی - خبری ارگان هیأت اجراییه موقت حزب توده ایران بود که فعالیت خود را از سال ۱۳۲۳ آغاز کرد. پس از کودتا مدتی تعطیل شد و سپس در دههٔ چهل تا اواسط دهه پنجاه به صورت یک نشریه زیرزمینی تهیه و منتشر می‌شد. این روزنامه از متفقدترین مطبوعات آن دوره بود و به مرور ایام چند ضمیمه مختلف هم انتشار داد.

رهبر روزنامه سیاسی - خبری دیگری بود که به وسیله حزب توده طبع می‌شد: این روزنامه، که ارگان مرکزی حزب و مرکز ثقل انتشارات مطبوعاتی آن بود پس از مدتی توقیف شد و به جای آن به ترتیب افق آسیا، بشر، بیداری ما، دنیای امروز، رزم، سلحشور، شعله‌ور، شمشیر امروز، کار و دانش، منشور، مردم و ندای حقیقت انتشار یافتند.

در این میان، از سال ۱۳۳۴ مجله ماهیانه عبرت با مساعدت ساواک منتشر شد. این مجله که ارگان زندانیان توده‌ای نام گرفته بود، به انتشار تنفرنامه‌های اعضای نادم حزب و همچنین مطالبی در مورد مبارزه با کمونیسم می‌پرداخت. «هدف از چاپ این مجله تنویر افکار عمومی و فاش ساختن حقایق تلخ پشت پرده حزب توده و همچنین افراشتن پرچم مبارزه با کمونیسم» ذکر شده بود.

مطبوعات سیاسی و انتقادی در دهه ۴۰ به دلیل التهاب شرایط اجتماعی و سیاسی همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دادند، هرچند که این امر متضمن توقیف این نشریات یا دستگیری عوامل اجرایی آنها بود. در این دهه نشریات و روزنامه‌های سیاسی - انتقادی، به جریانهای سیاسی وابسته بودند و به انعکاس

نقطه نظرات و تحلیلهای آن احزاب و جریانها می‌پرداختند. با مستحکم شدن موقعیت نظام سیاسی جامعه در دهه ۵۰ اغلب این نشریات توقیف شدند و گردانندگان آنها به زندان افتادند. برخی نیز به صورت مخفیانه و زیرزمینی به حیات خویش ادامه دادند و از حضور مستقیم در عرصه اجتماعی ایران محروم شدند.

در زمینه اعمال فشار بیشتر بر مطبوعات در فروردین ماه سال ۱۳۴۲ جهانگیر تفضلی وزیر مشاور و سرپرست اداره انتشارات و رادیو، ضمن انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که امتیاز هر روزنامه‌ای که تیراژ آن کمتر از سه هزار و هر مجله هفتگی که کمتر از پنج هزار نسخه باشد، لغو می‌شود. در این اطلاعیه همچنین اسامی روزنامه‌ها و مجله‌هایی که اجازه انتشار داشتند، به این شرح اعلام شده بود:

اطلاعات، کیهان، پیغام امروز، ژورنال دو تهران، تهران جورنال، کیهان اینترنشنال، بامشاد، مهربان، صدای مردم، بورس، توفیق، روشنفکر، سپیدوسپاه، خواندنیها، تهران مصور، امید ایران، خوشه، فردوسی، اتحادملل، اتحادملی، دنیا، ترقی، کیهان هفته، آسیای جوان، جراحی ایران، سخن، یغما، آلیک، بهداشت روانی، ورزش و زندگی، اطلاعات هفتگی، صبح امروز، اطلاعات بانوان، فرهنگ ایران زمین، اطلاعات کودکان، تربیت بدنی و پیش‌آهنگی، تاج، الاخاء [به عربی]، پزشک خانواده، پزشک و دارو، هورمون، فرهنگ جهان، هوست، ارمغان، سلامت، فکر و بهداشت، پیام نوین، راهنمای کتاب، مجله ارتش، مجله راه آهن، مجله شهربانی، ستاره سینما، هنر و سینما، تاریخ

اسلام، موزیک ایران، ایران آباد، ستاره شرق و...

با اتخاذ چنین سیاستی، بسیاری از نشریات در تهران و سایر شهرستانها به تعطیلی کشانده شدند و به دلیل این بهانه واهی اجازه انتشار نیافتند. البته قانون مطبوعات برخی از روزنامه‌ها و مجله‌ها را از این قاعده مستثنی کرده بود؛ از جمله نشریه‌های روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه که امتیاز آنها به نام مؤسسات دولتی یا شهرداریها و یا مؤسسات وابسته به آنها و بسنگاههای عمام‌المنفعه مانند شیروخورشید سرخ و... صادر شده بود و روزنامه‌ها و مجله‌هایی که برای شهرستانها و در خود شهرستانها منتشر می‌شدند و نیز مجله‌های علمی یا ادبی و یا فنی و هنری از مقررات مذکور مستثنی شده بودند.

علاوه بر فشارهای غیرمستقیم بر مطبوعات، سانسور رسمی نیز به شدت اعمال می‌شد. از رایج ترین اقداماتی که برای کنترل مطبوعات انجام می‌گرفت می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: خواندن مطلب و مهرزدن پشت آن پیش از حروفچینی، امحای صفحه آماده به چاپ در سالن حروفچینی، درآوردن قسمتی از ستور چیده شده در سینی و یا دستور حذف آن در نمونه اول غلط‌گیری، خواندن کل مطالب بعد از چاپ کامل نشریه و جلوگیری از توزیع، جمع کردن نسخ روزنامه از بساطهای روزنامه‌فروشی، بریدن، تکه تکه کردن و حتی آتش زدن نسخه‌های چاپ شده، ممانعت از ورود روزنامه‌های مخالف چاپ خارج به داخل کشور، اجبار دبیرها و سردبیر به خودسانسوری مطالب نشریه، اطلاع روزانه تلفنی به سردبیر که چه مسائلی غیرقابل درج هستند، بازداشت



تصویر محمد محمود روی مجله سید و سیه سال ۱۳۴۲

روزانه اخبار و مندرجات مطبوعات پایتخت برای مشترکین بود که اکثر قریب به اتفاقشان را سفارتخانه‌ها و مؤسسات خارجی تشکیل می‌دادند. در این دوره همچنین یک روزنامه رسمی منتشر می‌شد که فعالیت خود را از بیست و دوم بهمن ۱۳۲۳ آغاز کرده بود. این روزنامه مخصوص انتشار اظهاراتی بود که در مجلسین می‌شد و نیز لوایح و قوانین و همچنین آگهیهای رسمی.

■ **مطبوعات ایران در سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳ از سمت‌گیریهای سیاسی احتراز کردند و به سطحی‌نگری و استفاده از مطالب غیرسیاسی و خارجی روی آوردند.**

■ **با کودتای ۲۸ مرداد، نسلی از مطبوعات بی‌هویت و مبتذل پا به عرصه وجود نهاد که ارائه الگوهای فرهنگی غرب و ترویج غربزدگی و ملی‌گرایی افراطی از اهداف آن بود.**

#### منابع خبری مطبوعات

- در این دوره عبارت بودند از:
- الف: بولتنهای مرتب روزانه خبرگزاری پارس و سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران؛
- ب: خبرنگاران، در روزنامه‌های بزرگ و بعضی از روزنامه‌های بامداد تهران؛
- ج: بولتن و نشریات تعدادی از وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سفارتخانه‌ها؛
- د: نمایندگیهای خبرگزاریهای خارجی در تهران؛
- ه: رادیوهای آن سوی مرزها.<sup>۱۲</sup>

شاید و باید قبول نداشتند و مردم نیز نسبت به مندرجات مطبوعات به نوعی حالت بی‌تفاوتی دچار شده بودند.

البته مطبوعات نیز در این دوره از مشکلات عدیده رنج می‌بردند. مهمترین این مشکلات عبارت بودند از: ضعف بنیة مالی، گرانی تدریجی بهای کاغذ و وسایل چاپ، نارسایی شیوة توزیع در سطح کشور، انتظار کمک دائم از دولت، پایین‌بودن حد متوسط سطح سواد در کادر مطبوعاتی، بحران انتقال از وظیفه مسلکی و ذوقی به حرفه‌ای شدن روزنامه‌نگاری، ضعف قدرت خرید مردم، قلت تعداد باسوادان، گسترش قابل ملاحظه شبکه رادیو و تلویزیون، بی‌اعتمادی مردم به نوشته‌های مطبوعات و نامعلوم بودن حریم مطبوعات.<sup>۹</sup>

در دهه مورد بحث (۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳) در تهران ۱۹ روزنامه، ۲۷ هفته‌نامه، ۲۶ مجله هفتگی، یک مجله دو شماره در هفته، ۸۶ ماهنامه و پنج سالنامه منتشر می‌شده‌اند. از این میان ۸ هفته‌نامه، ۷ مجله هفتگی و ۶۴ ماهنامه به تدریج تعطیل شدند. چهارده روزنامه ۴ تا ۱۲ صفحه‌ای به سه زبان و متعلق به دو حزب، یک مخالف، یک میانه‌رو و شش هوادار دولت، هر بامداد در تهران منتشر می‌شد، که مجموع تیراژ تمام آنها از تیراژ دو روزنامه عصرتهران اطلاعات و کیهان کمتر بود. مطبوعات صبح

نویسنده، خبرنگار، مدیر و صاحب‌امتیاز، تنظیم پرونده برای این افراد در ساواک و بازنگهداشتن آن به منظور ارباب، توقیف نشریه، زندان، شکنجه، قتل و یا اعدام روزنامه‌نگاران و دست‌اندرکاران مطبوعات.

در دهه ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۳ بالغ بر ۲۳۰ نشریه انتشار می‌یافتند که از آن میان در اسفندماه ۱۳۴۱ نزدیک به هفتاد روزنامه و مجله به طور جمعی تعطیل شدند و رقم نشریاتی که منتشر می‌شدند به ۱۵۸ عنوان تقلیل یافت. در دهه ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳، نیز ۲۱۲ روزنامه، هفته‌نامه، مجله هفتگی، مجله ماهانه و فصلی، سالنامه، هوایی و بولتن به زبان فارسی، به دو زبان محلی آشوری و ارمنی و همچنین چهارزبان خارجی (آلمانی، انگلیسی، عربی و فرانسوی) انتشار می‌یافتند. از این تعداد ۱۲۸ نشریه در پایتخت و بقیه در شهرستانها منتشر می‌شدند.<sup>۱۰</sup> البته همه این نشریات در طی این سالها به چاپ نرسیده‌اند، عده‌ای از آنها تازه به عالم مطبوعات قدم گذارده‌اند، برخی دیگر پس از چند شماره خودبه‌خود تعطیل شده‌اند، عده‌ای بعد از مدتی تعطیل دوباره به راه افتادند و پاره‌ای نیز، که از دهه قبل ادامه حیات می‌دادند، به علل گوناگون انتشار نیافتند.

جدول زیر وضعیت مطبوعات ایران را در دو دهه ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۳ و ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳ نشان می‌دهد:<sup>۱۱</sup>

نوع مطبوعات/تعداد	۱۳۴۳ تا ۱۳۳۳	۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳
روزنامه	۲۵	۲۸
هفته‌نامه	۱۲۵	۸۸
مجله هفتگی	۲۶	۲۹
مجله ماهانه	۴۲	۵۷
مجله فصلی	۱	۲
سالنامه	۷	۵
بولتن	۴	۳
جمع	۲۳۰	۲۱۲

روی آوردن به مطالب غیرسیاسی و خارجی مطبوعات ایران در دهه ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳ از سمت‌گیریهای سیاسی احتراز می‌کردند و به سطحی‌نگری و استفاده از مطالب غیرسیاسی و خارجی روی آوردند و نتیجه این شد که اگرچه از امکانات چاپ و ایجاد تأسیسات و تجهیزات انتشاراتی جدید بهره‌مند شدند لیکن نتوانستند احتیاجات خوانندگان خود را از نظر خبری و محتوای مطالب برآورده سازند. طبقه تحصیلکرده مطبوعات موجود را آنچنان که

تهران با یک استثنای کوچک، همه از طرفداران سرسخت دولت و بهترین وسیله به ثبت رساندن برنامه‌ها و اقدامات آن بودند. در این دوره همچنین ۱۳ نشریه غیرفارسی منتشر می‌شد: یک هفته‌نامه به زبان آشوری، ۲ نشریه به زبان ارمنی، یک هفته‌نامه به زبان آلمانی، ۶ نشریه به زبان انگلیسی، یک هفته‌نامه به زبان عربی و یک روزنامه به زبان فرانسوی.<sup>۱۱</sup> همچنین سه بولتن به زبانهای غیرفارسی مرتباً انتشار می‌یافت. کار آنها توجیه

## انجمنهای مطبوعاتی

در همین دوره انجمنهای مطبوعاتی گوناگونی تأسیس شدند که مهمترین آنها عبارتند از: انجمن روزنامه‌نگاران، انجمن مطبوعات، جامعه مطبوعات نوین، خانه مطبوعات ایران، کانون مطبوعات علمی ایران، باشگاه مطبوعات، انجمن خبرنگاران خارجی، انجمن زنان روزنامه‌نگار و نویسندگان سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات<sup>۱۳</sup>. البته تعدادی از این انجمنها علی‌رغم عنوانهای دلفریب نتوانستند حتی ذره‌ای از حقوق پایمال شده خبرنگاران و روزنامه‌نگاران را استیفا نمایند و تنها در حد تشکیلاتی تشریفاتی به فعالیت خود ادامه دادند.

نکته دیگری که در این مبحث باید به آن اشاره شود تأسیس اولین دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی است. این دانشکده که مقدمات تأسیس آن از ۱۳۳۵ فراهم شده بود، پس از فعالیتهای جسته و گریخته، سرانجام از ۱۳۴۵ به‌طور رسمی آغاز به کار کرد. هدف این دانشکده آموزش و پژوهش در رشته روزنامه‌نگاری، رادیو و تلویزیون، سینما، روابط عمومی و امور اجتماعی، مدیریت، بازاریابی و تبلیغات بازرگانی و مترجمی بود. این دانشکده تا پایان سال ۱۳۵۳ بالغ بر ۱۲۰۶ فارغ‌التحصیل داشته است، همچنین دارای یک نشریه خبری داخلی به نام پیام‌ارتباطات بود<sup>۱۴</sup>.

## کیهان و اطلاعات: دو غول مطبوعاتی

در دوره مورد بررسی (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷) روزنامه‌های متعددی انتشار یافتند، برخی از آنها که وابسته به احزاب و جریانهای سیاسی بودند به‌مرور توقیف یا متوقف شدند و برخی دیگر با حمایتهای آشکار هیأت حاکم تولد یافتند و در عرصه مطبوعاتی جامعه به ایفای نقش پرداختند. در این میان تنها دو روزنامه اطلاعات و کیهان بودند که همچنان به حیات نه چندان پربار خود ادامه دادند و در عمل به‌غولهای مطبوعاتی ایران تبدیل شدند. با توجه به قدرت، اهمیت و جایگاهی که این دو روزنامه در عرصه مطبوعاتی جامعه داشته‌اند لازم است که به‌اجمال به چگونگی فعالیت و سابقه مطبوعاتی آنها اشاره شود.

اطلاعات به‌عنوان روزنامه‌سیاسی - خبری و بعداً نیمه‌رسمی کشور فعالیت خود را از ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ آغاز کرد. این روزنامه را که

صاحب‌امتیاز آن عباس مسعودی بود، می‌توان نخستین نشریه روزانه و درازمدت به سبک جدید روزنامه‌نگاری در ایران به حساب آورد. این مؤسسه به سبب طول دوران انتشار و وسعت فعالیت به تدریج به‌صورت آموزشگاه روزنامه‌نگاری درآمد و عده‌ای از خبرنگاران، سردبیرها و مدیران روزنامه‌های دیگر از دست‌پروردگان اطلاعات به‌شمار می‌آیند.

این روزنامه در خلال سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ دوران روبه رشد آرامی را پشت سر گذاشت. بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ از نظر سیاسی مورد خشم بعضی از روزنامه‌ها و احزاب سیاسی قرار گرفت و خسارات مالی و معنوی بسیار تحمل کرد. ساختمان آن یک‌بار مورد حمله مخالفان قرار گرفت و یک‌بار نیز در سال ۱۳۲۴ طعمه حریق شد. پس از سال ۱۳۳۲ به بازسازی خود همت گماشت و بر تعداد نشریات و در نتیجه بر نفوذ خود افزود. از نظر فنی به استفاده از وسایل، ابزار، ماشین‌آلات و فنون نوین چاپ دست زد و تعدادی از اعضای هیأت تحریریه را برای تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری به خارج از کشور اعزام کرد<sup>۱۵</sup>. اطلاعات بعد از مرداد ۱۳۳۲ برای مدت کوتاهی صبحها نیز منتشر می‌شد. این مؤسسه به تدریج نشریات دیگری را نیز به راه انداخت: مجله اطلاعات هفتگی، مجله اطلاعات ماهانه، روزنامه اطلاعات هوایی، روزنامه تهران جورنال به زبان انگلیسی، مجله اطلاعات بانوان، مجله جوانان‌امروز، مجله اطلاعات کودکان، اطلاعات سالانه، مجله الاخاء به زبان عربی، مجله دنیای ورزش از جمله نشریاتی بودند که در خلال این سالها توسط اطلاعات منتشر شدند.

روزنامه سیاسی - خبری کیهان نیز از سال ۱۳۲۱ فعالیت خود را آغاز کرد. امتیاز آن ابتدا با عبدالرحمن فرامرزی بود ولی پس از مدت کوتاهی به‌نام دکتر مصطفی مصباح‌زاده انتقال یافت و فرامرزی به سردبیری بسنده کرد. بعد از روزنامه اطلاعات می‌توان کیهان را نخستین روزنامه دراز مدت که به سبک امروزی و براساس تشکیلات و نظم روزنامه‌نگاری منتشر می‌شد، دانست.

این روزنامه در خلال سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۲ به سبب سرمقاله‌های عبدالرحمن فرامرزی توانست جای خود را در محافل و منازل باز کند و از روزنامه رقیب یعنی اطلاعات

■ خواندن مطالب پیش از حروف چینی، امحای صفحه آماده چاپ در سالن حروف چینی، خارج کردن قسمتی از سطور چیده شده و یا دستور حذف آن در نمونه اول غلط‌گیری، جلوگیری از توزیع، جمع کردن نسخ روزنامه از بساطهای روزنامه‌فروشی، آتش‌زدن نسخه‌های چاپ شده و اجبار به خودسانسوری از شیوه‌های رایج سانسور مطبوعات در رژیم شاه بود. ■ الگوهایی که به وسیله مطبوعات در دهه ۱۳۵۰ ارائه می‌شدند، محتوایی سخیف و مبتذل داشتند و آبشخور فکری آنها، فرهنگ بیگانه بود.

پیشی گیرد<sup>۱۶</sup>. پس از کودتای سال ۱۳۳۲ کیهان نیز همانند رقیب به گسترش مؤسسه و افزایش ابزار جدید چاپ و پرورش خبرنگار و نویسنده پرداخت. این مؤسسه به تدریج بر تعداد نشریات خود افزود و در خلال این سالها روزنامه کیهان اینترنتشال به زبان انگلیسی، کیهان اینترنتشال هوایی به همان زبان، کیهان بچه‌ها، مجله زن‌روز، هفته‌نامه کتاب هفته، مجله کیهان ورزشی، روزنامه کیهان‌هوایی، کیهان پیشاهنگ (ویژه دوران اجتماع پیشاهنگان در دهکده منظره) و مجله فرانسوی زبان اوریان پانوراما را منتشر کرد.

هر دو روزنامه از نظر مدیریت، روش کار، اخبار و مشی سیاسی و دولتی، تهیه آگهی و حتی توزیع، از روشهای مشابه و گاه مشترک استفاده می‌کردند. این روزنامه‌ها تنها مؤسساتی بودند که از سرویسهای وسیع خبری خود مدد می‌جستند زیرا هم دارای خبرنگار، نویسنده و مترجم کافی بودند و هم آنکه مشترک خبرگزاریهای بزرگ جهان بودند<sup>۱۷</sup>. علاوه بر این هر دو مؤسسه در سالهای پس از کودتا به دولت نزدیکتر شدند و صلاح خویش را در کنار آمدن با آن تشخیص دادند و در جهت تقویت و گسترش دامنه فعالیت‌هایشان از حمایت‌های دولت نیز بهره‌مند شدند.

در این سالها رژیم شاه علاوه بر تطمیع بسیاری از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و اربابان مطبوعات داخلی و همراه ساختن آنان با اقدامات به اصطلاح اصلاح‌گرایانه خود، عده

کثیری از روزنامه نگاران خارجی را نیز مورد تسفد ملوکانه قرارداد و به پاس خدمات ارزشمندشان! از آنان تقدیر کرد. براساس اسنادی که از سفارت ایران در واشنگتن به دست آمده اند ۱۸ صدها نفر از روزنامه نگاران آمریکایی، انگلیسی و نمایندگان سایر وسایل ارتباط جمعی کشورهای سرمایه داری که به نحوی از انحا دست اندرکار جعل اخبار واقعی ایران بودند و در تحلیل نهایی واقعیتها را دگرگون جلوه می دادند و ملتها را در بی خبری مطلق نگاه می داشتند، به فراخور خدماتشان هدایایی از شاه گرفتند یا مقرری ماهیانه دریافت می کردند.

دهه چهل و ابتدای دهه پنجاه دوران تحکیم موقعیت نظام در عرصه اجتماعی ایران بود و در خلال این سالها اختناق و سانسور بیش از پیش بر نشریات و روزنامه ها اعمال می شد. مطبوعات نیز غالباً به ابتدال و روزمرگی دچار شدند و بیشتر به مسائل پیش پا افتاده اجتماعی روی آورده بودند. نشریات سیاسی نیز تحت فشار حکومت یکی پس از دیگری تعطیل می شدند و دست از فعالیت می کشیدند.

### ■ گروهها و احزاب سیاسی در اواسط دهه ۵۰، سعی داشتند تا از طریق انتشار نشریات مخفی و زیرزمینی، ارتباط خود را با مخاطبانشان حفظ کنند.

در فروردین ماه سال ۱۳۵۴ دو روزنامه صبح تهران ندای ایران نوین و مردم که به ترتیب ارگان احزاب پیشین ایران نوین و مردم (اکثریت و اقلیت) بودند، توقیف شدند. روزنامه ایران نوین از زمان حکومت حسنعلی منصور منتشر می شد و وظیفه آن انعکاس اصول و عقاید رهبران حزب مذکور بود. روزنامه مردم نیز سومین نشریه ای بود که به عنوان ارگان حزب مردم انتشار می یافت. اولین ارگان این حزب روزنامه مهرایران و دومی روزنامه راه مردم بود. به دنبال تعطیلی این روزنامه ها خاک و خون ارگان حزب پان ایرانیست و هفته نامه ایرانیان ارگان احزاب اقلیت پیشین نیز توقیف شدند.<sup>۱۹</sup>

از سوی دیگر با اوج گرفتن مبارزات سیاسی در این دهه گروهها و احزاب سیاسی علاوه بر مبارزات خشونت آمیز سعی داشتند تا

از طریق انتشار نشریات مخفی و زیرزمینی ارتباط خویش را با مخاطبانشان حفظ کنند. از جمله این نشریات می توان از انتقام، خلقت و بعثت نام برد.



**تکرار استیجاب!**  
ساخته شده و در مطبوعات ایران انتشار یافته است. در این نشریات و به واسطه این روشها، اخبار و رویدادهای روزانه را به گونه ای که به نفع و منافع خاصی است، به مخاطبان عرضه می کنند. این روشها، به گونه ای است که به مخاطبان، تصویری نادرست از واقعیتها ارائه می دهد. این روشها، به گونه ای است که به مخاطبان، تصویری نادرست از واقعیتها ارائه می دهد. این روشها، به گونه ای است که به مخاطبان، تصویری نادرست از واقعیتها ارائه می دهد.

**سازمان ردهای**  
سازمان ردهای، به گونه ای است که به مخاطبان، تصویری نادرست از واقعیتها ارائه می دهد. این روشها، به گونه ای است که به مخاطبان، تصویری نادرست از واقعیتها ارائه می دهد. این روشها، به گونه ای است که به مخاطبان، تصویری نادرست از واقعیتها ارائه می دهد.

مطبوعات غیرحزبی نیز در سالهای آخر عمر حکومت شاه تلاش بی وقفه ای را جهت تطهیر نظام استبدادی خانواده پهلوی آغاز کرده بودند. این روزنامه ها سعی داشتند تا به هر نحو که ممکن است از اهمیت قیام و تظاهرات مردمی بکاهند و آنها را به عوامل بیگانه نسبت دهند.<sup>۲۰</sup> این نشریات به تحریف شمارهای اساسی انقلاب اسلامی می پرداختند و سعی داشتند تا ترس و نگرانی از ادامه تظاهرات را به مردم القا نمایند. همچنین هدف این دسته از مطبوعات در این دوره پراشوسب القای وحشت از اختناق و سانسور در نظام حکومت اسلامی، القای رعب و وحشت از کودتا و القای وحشت از جنگ داخلی و تجزیه کشور بود.

### ویژگیهای مشترک مطبوعات ایران از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷

در دوره مورد بررسی اغلب مطالب مجله ها و روزنامه ها سطحی، سرگرم کننده و مروج ابتذال بودند. در مطبوعات از انتقادهای سیاسی و اجتماعی خبری نبود و هر مطلب روشنگر و آگاهی بخش به تیغ سانسور گرفتار می شد. علاوه بر حاکمیت اختناق و استبداد،

فرهنگ غالب «شفاهی» موجب شد که گرایش رسانه ای «مکتوب» مرتبه و جایگاه خاص خود را نیابد.<sup>۲۱</sup> از لحاظ کمی نیز وضع مطبوعات چندان خوب نبود. در دهه های ۴۰ و ۵۰ روند انتشار مطبوعات سیر نزولی به خود گرفت. این امر زاییده خوی استبدادی و تمرکزگرایی حکومت بود. در این دوره مطبوعات بیش از هر زمان دیگر تحت نظارت دولت قرار گرفتند و در نتیجه انتشار بسیاری از آنها متوقف شد. و آنها که ماندند نیز بیشتر به درج مطالب ادبی و اجتماعی روی آوردند و از انعکاس مسائل سیاسی پرهیز می نمودند.

مطبوعات در این دوره همچنین به جای پرداختن به مسائل اساسی جامعه به حوزه های فرعی تر اجتماعی روی آوردند و سعی کردند تا به طرح دعوایی بپردازند که بیشتر جنبه حاشیه ای در زندگی مردم داشتند. هیاهو بر سر شعر دیروز و امروز (شعر کهنه و نو) و همچنین جنجال موافقان و مخالفان پاروقی نویسی در دهه چهل از جمله این موارد بودند.<sup>۲۲</sup> در همین سالها بود که نشریات به طور بی سابقه ای به انتشار داستان و رمان دست زدند و البته این امر از سوی جوانان نیز سخت مورد اقبال قرار گرفت.

اغلب مردم نسبت به مطبوعات بی اعتماد بودند و یا با بی تفاوتی جریان مطبوعاتی جامعه را دنبال می کردند. بنابراین مطبوعات می کشیدند تا با تیتراهای درشت و اغواکننده خوانندگان را جذب کنند و سپس مطالب خود را به آنان القا نمایند. در مطبوعات آن دوران همچنین بیشترین توجه به مسائل خارجی و جهانی بود و کمتر به تجزیه و تحلیل مسائل داخلی پرداخته می شد. پرداختن به مسائل خاص جهانی نیز بیشتر جهت ایجاد مشغولیتی برای افکار عمومی بود تا به مسائل داخلی توجهی نشود. در زمینه مسائل داخلی دو موضوع بسیار مورد توجه قرار می گرفتند: جنایات و حوادثی نظیر تجاوزات، چاقو کشیها و نظایر آنها و تمجید از خاندان سلطنتی به طرق گوناگون.<sup>۲۳</sup> تبلیغات مبتذل و مستهجن در مطبوعات این دوران شدیداً رسوخ کرده بود به طوری که بسیاری از صفحات روزنامه ها و مجله ها به آگهیهای تجارتي و تبلیغ فیلمهای خارجی و داخلی اختصاص داشتند.

مهمترین ویژگی مطبوعات این دوران وابستگی همگی آنها به دربار و محافل خاص بود. بسیاری از مدیران مطبوعات از خاندان

■ اسناد سفارت ایران در واشنگتن حاکی از آنست که صدها نفر از روزنامه‌نگاران امریکایی، انگلیسی و... که در تحلیل نهایی واقعیتها را دگرگون جلوه می‌دادند، هدایایی از شاه گرفته‌اند و یا مقرری ماهانه دریافت می‌کردند.

■ مطبوعات ایران در دهه ۵۰ به جای شناساندن زنان و مردان متفکر اروپایی که سالهای متمادی عمر خویش را در راه پیشرفت توسعه علم و دانش بشری سپری کرده بودند و الگو قرار دادن چنین افرادی، حتی از میان غربیان نیز به معرفی هنرپیشه‌ها و مانکنهای معلوم‌الحال می‌پرداختند و از آنان بتهایی فریبنده برای نسل جوان می‌ساختند.

روی آوردند و سعی کردند تا از این قافله عقب نمانند. مطبوعات ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نبودند.

مطبوعات ایران از دهه ۴۰ به‌طور جسته و گریخته به عرصه فرهنگی روی آوردند و ضمن پرداختن به مسائل سطحی و پیش‌پا افتاده اجتماعی سعی کردند تا نسل جوان را بیش از پیش تحت تأثیر قرار دهند، البته اقداماتی که در این زمینه انجام می‌گرفتند در ابتدا چندان آگاهانه نبودند. این روند در دهه ۵۰ شدت بیشتر یافت و به‌صورت منظم و هدفمند دنبال شد. منتهی الگوهایی که به‌وسیله مطبوعات ارائه می‌شدند برخاسته از متن جامعه و نشأت گرفته از فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی نبودند، بلکه محتوایی سخیف و مبتذل داشتند و آتشخور فکری آنها فرهنگ بیگانه بود و بی‌هویتی و از خود بیگانگی را در میان نسل جوان ترویج می‌کرد.

براساس این الگوهای شبه مدرنیستی و وارداتی برخی از خوانندگان و هنرپیشه‌های سینما به عنوان سرمشق نسل جوان به دختران و پسران ایرانی عرضه می‌شدند و از خصصتهای مبتذل و حسی ضد ارزش آنان به عنوان ارزشهای مورد پسند و نوین اجتماعی یاد می‌شد. مطبوعات در این دوره به جای شناساندن زنان و مردان متفکر اروپایی که سالهای متمادی از عمر خویش را در راه پیشرفت توسعه علم و دانش بشری سپری کرده بودند و الگو قرار دادن چنین افرادی، حتی از میان غربیان نیز به معرفی هنرپیشه‌ها و مانکنهای معلوم‌الحال می‌پرداختند و از آنان بتهایی فریبنده برای نسل جوان می‌ساختند.

دستگاه حاکم از طریق اشاعه این الگوهای فرهنگی و رفتاری سعی داشت تا نسل جوان را نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی ایران

سلطنتی و یا از محافل مختلف دستور می‌گرفتند و غالباً در طریق تأمین منافع بیگانگان قدم برمی‌داشتند. در این دوره، از مطبوعات آزاد و مستقل کمتر اثری دیده می‌شود زیرا که این نوع نشریه‌ها تحت فشارهای سیاسی و مالی عرصه را ترک گفته و دست از فعالیت کشیده بودند.

مطبوعات ایران خصوصاً از دهه ۵۰ به بعد به‌صورت گسترده‌ای از سکس و جاذبه‌های جنسی جهت جذب جوانان و نوجوانان استفاده می‌کردند. بسیاری از مجله‌های ماهانه و هفتگی طرح روی جلد خود را به تصویرهای برهنه و نیمه برهنه زنان هنرپیشه و خواننده اختصاص می‌دادند و از پرداختن به مسائل خصوصی و شرح زندگی بی‌بندوبار چهره‌های سینمایی و هنری رویگردان نبودند.

### مطبوعات ایران و ارائه الگوهای فرهنگی

مطبوعات به عنوان یکی از وسایل ارتباط جمعی نقش تعیین‌کننده در ارائه الگوهای فرهنگی به مردم ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر مطبوعات می‌توانند براساس بینشها و گرایشهای مألوف خود به الگوسازی فرهنگی مبادرت ورزند. از این‌رو جوامع توسعه یافته که از مدتها پیش به نقش و جایگاه چنین رسانه‌ای در عرصه فرهنگی جامعه واقف بودند سعی کردند تا از طریق این وسیله ارتباط جمعی الگوهای فرهنگی و اجتماعی مورد نظر خود را به مردم جوامع توسعه نیافته القا نمایند.

از سوی دیگر مطبوعات جوامع عقب‌مانده که نهادهایی تقلیدی بودند و تحت تأثیر تجدیدخواهی و تقلید از مظاهر مختلف فرهنگ و تمدن غربی یا به عرصه وجود نهاده بودند، علی‌رغم ضعف و ناتوانیشان در ارائه الگوهای فرهنگی و اجتماعی به وادی فرهنگ سازی

بی تفاوت نماید و از آنان مصرف‌کنندگان رام و آرامی برای مصرف هرچه بیشتر کالاها و سرمایه‌داری غرب بسازد. اما موج توفنده انقلاب اسلامی در ایران نقشه‌های پلید و شوم آن را نقش بر آب کرد و طومار استبداد پنجاه‌ساله را درهم پیچید.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران طلیعه‌ای پرشکوه برای رهایی مطبوعات از چنبره اسارت و وابستگی فرهنگی غرب بود. از این‌رو حاکمیت جدید وظیفه داشت که به تدوین و ارائه الگوهای مناسبی که ریشه در متن فرهنگ خودی داشتند و می‌توانستند نسل جوان را از سردرگمی و انحطاط نجات بخشند بپردازد و از این طریق به حاکمیت الگوهای بیگانه که ریشه در فرهنگهای دیگر دارند پایان دهد.

### حاشیه:

۱. مصرعی از شعر نادر یا اسکندر؟ از مهدی اخوان ثالث.
۲. نام و بخشی از اطلاعات مربوط به مطبوعات آن دوران از مآخذ زیرگرفته شده است: شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۷. مسعود برزین، تهران: بهجت، ۱۳۷۱.
۳. ایران و تاریخ. بهرام افراسیابی، تهران: زرین، ۱۳۶۴، ص ۶۷.
۴. اطلاعات (۱۱ فروردین ۱۳۴۲).
۵. اطلاعات (۶ فروردین ۱۳۴۲).
۶. شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۱۰.
۷. مطبوعات ایران ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳. مسعود برزین، تهران: بهجت، ۱۳۵۴، ص ۷ و ۹.
۸. همان، ص ۱۰.
۹. همان، ص ۲۰.
۱۰. همان، ص ۲۷ و ۲۹.
۱۱. همان، ص ۴۵.
۱۲. همان، ص ۲۰۳.
۱۳. همان، ص ۱۸۱.
۱۴. همان، ص ۲۱۷-۲۱۴.
۱۵. شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۴۵ و ۴۶.
۱۶. همان، ص ۳۳۷.
۱۷. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: مطبوعات ایران ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳ (فصل سوم).
۱۸. اطلاعات (۲۰ بهمن ۱۳۵۸).
۱۹. اطلاعات (۲۴ فروردین ۱۳۵۴).
۲۰. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: نگرشی بر نقش مطبوعات وابسته در روند انقلاب اسلامی ایران. تهران: وزارت ارشاد اسلامی، اداره کل مطبوعات و نشریات، ۱۳۶۱ (بخش اول و دوم).
۲۱. رسالت (۲۰ بهمن ۱۳۷۰).
۲۲. کارواگر (۱۴ اسفند ۱۳۷۰).
۲۳. جمهوری اسلامی (۱۹ شهریور ۱۳۶۲). □